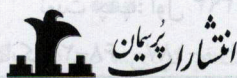


CD تهیه کرده است. این کتاب شامل ۱۰۰ مقاله است که در ۲ جلد به چاپ رسیده است. این کتاب شامل ۱۰۰ مقاله است که در ۲ جلد به چاپ رسیده است.

تنها من !!!۲..

سایه بود و دود در میان هجوم مه آلود توهمانم، نوری بسبز و درخشنده چون
 لیدی تیز شمیری بران از دیان تاریکی گذشت و به یکباره محو شد! خدايا خواهی یا
 بدانم؟ در این فضای روحانی در این دین ... با یکی مین رو به سوی چه
 هدایت می کنی ... به سوی زندگن یا مرگ ...
 سلامی همیشه گوشه رو آورده بودی و تاکنون خوش و ناخوشی که داشتم به
 پیراهن زردن ها پرتاب می کردی ... خبر دادن به اوزانس؟ این
 چون عشق کرده ایم ...
 Email: info@Porsemanpress.com
 www.porsemanpress.com
 آره خبر دادیم الان ... !!۲ ... تنها من!
 «آخه چش شدی؟»
 «بسیار»
 «نمی دونم، بیو افتاد و بیو میوفتد ... آهان چه بیستایم
 «شاید صبح دارم خدا تقاضی بله از من ...»
 «بستایم»
 «آره رو بلا کنید اولین!!! کم کنج کلاده ...»



انتشارا پرسیان

Porseman Publication

دوستن دردا که زبانه لال بدیدت ... !!۲ ... تنها من!

به نام عشق

که تو معبودش بودی و من مرامش



سیاهی بود و دود، در میان هجوم مه آلود توهماتم، نوری سبز و درخشنده چون لبه‌ی تیز شمشیری بُران از میان تاریکی گذشت و به یکباره محو شد! خدایا خوابم یا بیدار؟ در این فضای روحانی در این مکان عاری از هر ناپاکی من رو به سوی چه هدایت می‌کنی... به سوی زندگی یا مرگ؟

صدای همهمه گوشم رو آزار می‌داد و من رو از حال خوش و ناخوشی که داشتم به بیراهه نبودن‌ها پرتاب می‌کرد. صدایی بم شنیده می‌شد: «خبر دادین به اوژانس؟ این جوون غش کرده!»

«آره خبر دادیم، الان می‌رسن.»

«آخه چش شده؟»

«نمی‌دونم، یهو افتاد و بیهوش شد!»

«شاید صرع داره. خدا شفاش بده جوون مردم رو، چند وقتی می‌شه این‌جا دخیل

بسته!»

- راه رو باز کنید اومدن!!! کمک کنید بلندش کنیم... یاعلی... یاعلی!

- بلند شو امیرعلی، پاشو خسته‌م کردی... صد دفعه گفتم شب دیر نیا، با این لات و لوتا اینور و اونور نگرد... می‌ترسم آخر، کار دست خودت بدی. این جماعت امروز دوستن فردا که زبونم لال بدبخت و روسیاه شدی، می‌شن دشمن!